

نقد

یادداشتی بر نمایش عاطفه مجیدی‌نژاد

نفس حیوانی و نفس عقلانی



جاوید رمضانی
پژوهشگر اقتصاد اطلاعات

● حدود ۳۰ سال پیش به پیشنهاد معلمی دلسوز که روانش شاد باشد، برای تحصیل هنر به اصفهان رفتم و با دیدن عظمت تمدن ایرانی متحیر شدم و با دوربین عکاسی در کوچه پس‌کوچه‌های این شهر به دنبال بناها و اماکن قدیمی جست‌وجوی پایان‌ناپذیری را آغاز کردم. در این میان با مردم بومی آشنا شدم که حتی به عالی‌قاپو هم ترفته بودند. گویا وجود این فضاها برای آنان عادی بود و گاهی مردم را خسته از این قدمت یافتم که تجدد و مرکزنشینی را بر قدمت و اصالت ترجیح می‌دادند.

اینان به دنبال راهی بودند تا رونق دوباره را بر این سرزمین تاریخ‌مند بازگردانند. من که خسته از توجّات سنت‌ب تا تجدد از مرکز گریخته بودم و محو هنر نقاشانی مانند ماتیس و پیکاسو بودم در دیداری اعجاب‌آور هنری را کشف کردم که برابرم پر از راز و رمز و جان‌بخش بود. زان پس در تلاش بودم که چگونه این زیبایی را بازنمود کنم و در درک آن بکوشم. بعد از سال‌ها به نقاشی برخوردم که در این دیدارهای جادویی با من هم‌مسیر بود و قسمتی از آرزوی بازنمود این زیبایی‌ها را محقق کرد. هفته گذشته در مرور نمایش‌ها به آثار عاطفه مجیدی‌نژاد در گالری دستان بر خوردم. نمایشی از طراحی و چاپ با رویکردی متفاوت و خاص. در برخورد نخست بیننده با دو تابلوی بزرگ مواجه می‌شود که فرم اصلی در فضایی معلق قرار دارند. این تابلوها برای نقاش باری هستی‌شناسانه از انزوای معماری سرزمین خود دارد. تکنیک خلاقانه مجیدی‌نژاد یعنی منو پرنیت روی کاغذ و بسوم پارچه‌ای با ابعادی بزرگ گواه بر بودن اتفاق در نتیجه نهایی روند و کار ماده نقاش است. مجیدی‌نژاد که خود اصفهانی است می‌گوید، مسجد جامع اصفهان سوزّه اصلی او در ارائه این آثار است.

مسیر او حاکی از تلاش وی برای به‌دام‌انداختن زیبایی این ائینه و عظمت فنی طراحان آن است. هنرمندان مسلمان ایده حسن و زیبایی را در تبیین نوعی زیبایی هندسی مبتنی بر نظم و تقارن و تناسب پدیدار کرده‌اند.

مجیدی‌نژاد زیبایی را در تعادل بین نفس حیوانی و نفس عقلانی قرار داده آن‌چنان که محسوسات درونی وی با انتخاب روشی خلاقانه و عقلانی بستری برای نمود و بازنمایی حقیقت زیبایی و هیبت متحیرکننده ائینه اسلامی ایجاد کرده است. انکشاف والایی آثار معماری ایرانی، نیازمند فراغت از مسیرهای تعیین‌شده هنر پیکری و مینی‌مالیسم تکراری هنرمندان مدرن است. بیشتر هنرمندانی مانند وای زد کامی تنها از بافت آجر و فرم‌های سطوح هنر ایرانی با زیرساخت تبیین تئوری‌های غربی، سعی در تولید آثار خود داشته‌اند. این آثار در دام گفتمانی شرق‌شناسانه قرار گرفته و در نتیجه دارای موقعیتی بازار هنر هم بوده‌اند. در کل جدای از تجربه زیسته عمیقی هستند که تنها نامی از این سرزمین به عاریت داشته. این موقعیت خود آفت و بستری برای تقلید هنرمندان داخلی فراهم کرده است.

در برخورد نخست با آثار مجیدی‌نژاد این نظریه به ذهن می‌رسد که نقاش جوان هم در این مسیر قرار دارد و برآی منتقد می‌تواند دافعه ایجاد کند. با تأمل در کارهای هنرمند نکات متمایزی ادراک می‌شود، همچون دغبنغه فضا و تکنیک خلاقانه و کزیز از پرسپکتیو معمول، انتخاب نحوه ارائه و نام‌گذاری نمایش که گواه پیشینه فعال وی در عین جوانی و ثبات مسئله تخصصی طرح‌شده در ذهن نقاش بوده. وی در متن توضیحی خود می‌گوید: «بناهای اسلامی و ایرانی که معمولاً اجری هستند بسیار مورد علاقه من هستند. به طور خاص به مسجد جامع اصفهان توجه داشتم. این بنا بیشترین تأثیر را در کار من داشته است اما در زمان کار به هیچ عکسی رجوع نکردم و تنها حسی که از آن فضا دریافت کرده بودم را روی کاغذ آوردم.

این کارها در ادامه نمایشگاه قبلی من است که «بازدید» نام داشت و نمایشگاه فعلی با نام «بازدید: زیرِوجی» به معنای جاذبه صفر است. با استفاده از رنگ پارچه روی تور به طراحی پرداختم و به این ترتیب معماری را قابل عبور و شفاف کردم. اگرچه تصویری که می‌بینیم یک بنای معماری است اما نور از آن رد می‌شود و سبک و بی‌وزنی شده است.»

تلاش نقاش برای روایت‌ت نور و بی‌وزنی نه بر مبنای دانسته‌های تئوریک شکل گرفته بلکه احساس لاهوتی‌که در این ائینه بر اساس جریان دوار انرژی ساده و صعود فرم‌ها به آسمان طراحی شده، احساسات هنرمند را متاثر کرده است. فقدان رنگ در این آثار گفت‌وگوی طراحانه را تثبیت و مخاطبان جدی را دعوت می‌کند. در تعریفی کلی می‌توان نکات برجسته زیبایی‌شناسی این هنرمند را به طور موجز این‌گونه بیان کرد:

حسایت به فضای زیست و تجربه تصویری استفاده خلاقانه از تکنیک

تأثیرپذیری از نظم نظری اندیشه هنرمندان گذشته پیوستگی و تداوم در حل مسئله بصری مورد توجه هنرمند

فضاسازی و تمایل به رسانه‌های سه‌بعدی در مسیر تکاپو و عمل نقاشانه



گفت‌وگو با منوچهر معتبر به بهانه نمایشگاه «از کارگاه» در گالری طراحان آزاد

دوران سکوت

آثار را طی سال‌های قبل جمع کرده بود و تصمیم به برگزاری نمایشگاه گرفت و قرار بود کتابی درباره زندگی‌نامه من در این نمایشگاه رونمایی شود اما انتشار این اثر در زمان برگزاری نمایشگاه به سرانجام نرسیده و رزیتا شرف‌جهان در حال گردآوری این کتاب برای آینده نزدیک است.

آ اسم نمایشگاه (از کارگاه) بر چه اساس انتخاب شد؟
پیشنهاد و نظر گالری بود.

آ در کارهای به‌نمایش‌درآمده تکنیک‌های متنوعی دیده می‌شود. در آثار جدیدتر در قیاس با آثار دهه ۱۳۶۰ و مجموعه زن‌های چادری، رنگ بیشتر به چشم می‌آید. درباره نحوه کارتان با رنگ توضیح می‌دهید؟

شرایط در سال‌های پیش از انقلاب و پس از انقلاب تغییر کرد. در سال‌های دهه ۱۳۶۰ که جنگ بود من بیشتر زنان چادری را کار کردم. در یکی از نمایشگاه‌های من که در گالری پافر همین مجموعه را شامل می‌شد، حال و هوای خیلی تلخی داشت با وجود این تعدادی از کارها فروش رفت. آن آثار تحت تأثیر رخدادهایی مثل جنگ بیشتر شامل عزاداری و فضای تلخ بود. ولی درباره تکنیک من بیشتر (ترکیب مواد) کار می‌کنم و در قید و بند تکنیک خاصی نیستم.

فقط این برای من مهم است که تکنیک‌هایی را در کنار هم استفاده کنم که به هم جوش بخورند و به خوبی با هم ترکیب شوند.

آ در این سال‌های اخیر و با توجه به تغییر دوران و تغییر سن، کدام تکنیک برای‌تان راحت‌تر و محبوب‌تر است؟

نمی‌شود به‌راحتی انتخاب کرد چون به شرایط محیطی که در آن زندگی می‌کنیم خیلی بستگی دارد. الان خیلی‌ها از من می‌پرسند که چرا کار نمی‌کنم. به آنها پاسخ می‌دهم که آدم همین‌طوری و بی‌دلیل که نمی‌تواند بخندد یا گریه کند. شرایطی در جامعه حاکم می‌شود که بر من هنرمند هم تأثیر می‌گذارد و من واکنشی از خودم نشان می‌دهم؛ برای مثال من مجموعه‌ای از کلاغ‌ها و مجموعه‌ای از کوجهای بن‌بست کار کردم که درمورد این مجموعه‌ها خیلی‌ها نقد نوشتند.

آ محیط اطراف خیلی تأثیر گرفتید؛ این دست از کارها که در نمایشگاه دیدیم، برخاسته از چه فضایی است؟

تأثیر فضا و وضعیت اجتماعی است. فضایی که الان در آن قرار داریم طوری نیست که بتوانیم فردای‌مان را ببینیم. بلکه فضایی است که فقط داریم تحمل می‌کنیم. مگر می‌شود آدم صحنه‌های

دلخراشی مانند غم، عزا، فقر و ماتم را در اجتماع ببیند و انگیزه‌ای بماند؟ مگر می‌شود امید باشد و انسان تأثیر نگذرد؟ درحال‌حاضر دوران سکوت را می‌گذرانم و چندان رغبتی برای فعالیت ندارم و به‌همین‌دلیل از پنج سال پیش تاکنون کار نکردم و این نمایشگاه هم آثار همان چهار تا پنج سال گذشته است.

آ روی تعدادی از کارها متن‌هایی را نوشته بودید. مثلاً روی یکی از کارها که پرت‌های آل‌لبرت اینشتین است نوشته بودید: «حتی اگر اینشتین باشی، در نهایت تصویری از تو می‌ماند». در این کارها فضای مرگ غالب است. این درون‌مایه در کارهای‌تان هست؟

موضوع مرگ جزء موضوعاتی است که به یاد آدم می‌آید و گاه دوست دارم درموردشان بنویسم و از نظر بصری هم به ترکیب کار کمک می‌کند. به قول هایدگر از اول تا آخر زندگی اندیشه مرگ از ما دور نمی‌شود. ما همیشه به زیستن امروزمان نگاه می‌کنیم و می‌دانیم که روزی بالاخره خواهیم رفت و هیچ گریزی از مرگ نیست. نقاشی باید گویا باشد، حسی که به بیننده می‌دهد مهم است. حتی اگر از هنرمند بپرسید که چرا این کار را کرده‌ای ممکن است نتواند به شما جواب دهد یا جوابش جواب قانع‌کننده‌ای نخواهد بود. اگر کار با بیننده ارتباط برقرار کند و سؤالی در ذهن ایجاد نکند، می‌توان گفت که کاری تقریباً موفق است. اگر کاری بتواند احساس من را منتقل کند، موفق است و اگر نتواند ناموفق خواهد بود.

آ شما سال‌ها، چه در دانشگاه و چه در آتلیه شخصی‌تان معلمی کرده‌اید؛ فکر می‌کنید تدریس در مسیر خلاقیت‌تان تأثیر داشته و کار با نسل‌های مختلف تا چه اندازه منبع الهام‌تان بوده؟

تأثیر بالایی می‌گذارد. ما در طول تدریس به افراد مختلف با دیدگاه‌های متفاوت برخورد می‌کنیم و همان‌طور که من به آنها چیزی می‌دهم، از آنها چیزی می‌گیرم و تجربیات جدیدی را از سر می‌گذرانم؛ مثلاً موقع کار روی طبیعت بی‌جان من به کار شاگردانم نگاه می‌کنم که دارند تجربه می‌کنند و تجربه آنها برای من هم آموزنده است. ما همه از هم یاد می‌گیریم و به دست هم نگاه می‌کنیم. من آموزش را خیلی دوست داشتم؛ دوست دارم دیدگان را هم در کار خود سهیم کنم. تدریس و آموزش فرصت خوبی برای من بوده و این فرصت را طی سالیان با تدریس در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه هنر و معماری دانشگاه آزاد و دانشکده هنرهای تزینی کسب کرده‌ام.

آموزش در سال‌های پیش از انقلاب و پس از انقلاب تغییر کرده است؟



وضعیت فعلی جوانان در سال‌های کنونی به نسبت زمان ما خیلی بهتر شده و امکانات افزایش یافته است. در سال‌هایی که من در دانشکده هنرهای زیبا درس می‌خواندم ما کار اصل از هنرمندان بزرگ و بنام ندیده بودیم. کارهایی بود که در فرانسه چاپ می‌شدند، ولی الان بچه‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی کارها را ببینند یا در موزه‌های داخلی اصل کارها را تماشا کنند و رنگ‌ماده، ترکیب‌بندی و جزئیاتش را بررسی کنند.

آ خودتان درحال حاضر مشغول خلق کارهای تازه‌تر هستید؟

همیشه مشغول بوده‌ام، هر چه بیشتر کار کنیم، بیشتر هم درک می‌کنیم. من تا جایی که می‌توانستم طراحی را درک کردم، ولی هنوز هم کسانی هستند که می‌توانند کار من را ادامه دهند و شاید دیگر در دوران بازنشتستگی همتم.

آ این روزها بیشتر با چه تکنیکی کار می‌کنید؟ مدتی است که کار نمی‌کنم. به خاطر کرونا مدتی است که کلاس‌های آتلیه هم تعطیل شده‌اند. چهار، پنج سال است که کار نمی‌کنم و چندان به کار مشتاق نیستم. همان‌طور که گفتم شرایطی در جامعه حاکم است و آدم که نمی‌تواند بیهوده بخندد، کارهای من هم اجتماعی است و امکان خلق در هر شرایطی وجود ندارد.

آ چرا طراحی پرت‌های خودتان را در دوره‌های مختلف تکرار کرده‌اید؟

پرت‌های من کمک بزرگی به کارم کردند، در واقع در دوران مختلف خودم را به‌عنوان مدلی ثابت و همیشگی در اختیار داشتم‌ام و راه خوبی برای ارزیابی توانایی خودم در طراحی شدم. پرت‌ه معمولاً جزئیاتی را می‌طلبید، در نتیجه راهکار خوبی برای ارزیابی و تمرین من شده و البته طراحی از مدلی همیشه در دسترس اتفاق خوبی است.

آ فکر می‌کنید چه شرایطی در جامعه وجود دارد که میل شما به کار را کم کرده است؟ شرایطی پیش می‌آید که آدم حس می‌کند دیگر با کارکردن چیزی درست نمی‌شود و باید سکوت کرد و انگار محرکی برای فعالیت نمانده است.

کارگاه‌تان را نقاشی می‌کنید؛ چه شرایطی پیش می‌آید که رغبت و انگیزه شما برای کارکردن از بین رفته است؟

نیرویی که در فضای جامعه در جریان است، چندان انگیزه صحبت و خلق را در آدم ایجاد نمی‌کند و به مراتب ضعیف‌تر از نیرویی است که شخص را به سکوت وامی‌دارد.

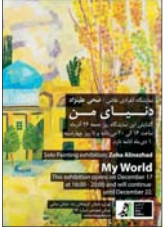
تلویزیون قبل از انقلاب ... دیده بودم، البته بسیار تحسینش کرده بودم. ما دوست‌داران سینما و بریده از سینمای تجارتي ایران و جهان غرب و شیفته سینمای زیرزمینی نیویورک و موج نو سینمای فرانسه و هر نوعی از اندیشه آوانگارد در هنر، «بادجن» را طرح‌واره و سلیه‌ای از تجربه یک سینمای جوان و هنرمندانه می‌دانستیم و در گفت‌وگوهای جوانانه و پر اشتیاق خود به آن می‌پرداختیم. صدای سحرانگیز احمد شاملو برای نخستین بار در یک تجربه سینمایی شنیده می‌شد که به کنترباس می‌مانست و گویی در بطن طبل‌ها و نفس‌های رعشه‌وار خالق یک ریتم جنون‌آمیز آرشه می‌کشید. باری جای حیرت و تأسف است که خالق این اثر آقای ناصر تقوایی در نشتستی برای تقدیر از او و آثار سینمایی‌اش به گلایه از نابودی و تخریب این اثر سخن گفت. نکته مهم که درباره این نوشتار باید متذکر شوم این است که به مسائل اجتماعی از قبیل فقر یا خرافه و سنت و نقش تخریب‌های فرهنگی که گرایش‌های مدرنیته بی‌ریشه درمورد بافت تاریخی و خانه‌های بومی ... نمی‌پردازم و آنچه برای من مهم است خود سینما به‌مثابه یک مدیوم بیانی و ابزارهای مطروحه در آن است و همچنین آنچه در نهایت حاصل کار می‌شود و به‌عنوان فیلم بر پرده سینما می‌تابد. این عناصر سینمایی برای مثال ریتم و ضربه‌نگ و ارکسترآسیون اصوات، تصاویر و آرشیتکتونیکز نمایشی و ساختمان‌دهی نماها و فضاها از یک سو و موتاز، حرکت دوربین، تغییر زاویه‌های آن، فهم طرح‌آوری نماهای عمومی و نمای نزدیک و کلوزآپ ...

است که می‌توان درباره آن کتاب‌ها نوشت. تحلیل کامل و از نظر ویزوال در یادداشت‌های دیگری طرح خواهد شد.

گالری گری دی

آثارضحی علی‌نژاد

«دنیای من» در گالری ایده



● این نمایشگاه که «دنیای من» نام دارد، از روز جمعه ۲۶ آذر آغاز به کار کرده و تا چهارشنبه یک دی در گالری ایده ادامه خواهد داشت. در توضیح این نمایشگاه آمده است: «ضرورت یافتن دوباره دنیای درون برای من، از نیاز به بازتعریف روایت شخصی‌ام از دل هنر ایرانی برمی‌آید. چنانچه نقش‌های رنگینش را در جهان ذهنی‌ام بشکنم و از هزار تکه‌اش خلقی دیگر کنم. این‌گونه هر تصویر در عین بازتاب آنهنگون تکه‌هایش، از رازهای هنر و تاریخ، در چیدمان تازه‌ای بر بوم من به مرزهای امروز می‌رسد و روایتی نو می‌گیرد». علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از نمایشگاه «دنیای من»، تا یک دی هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۱ به گالری ایده به آدرس تهران، خیابان کریمخان، خیابان خردمند شمالی، خیابان هجدهم، پلاک ۲۶ مراجعه کنند.

نمایشگاه گروهی درآرتیبیشن

هنر در خلوت آفریده می‌شود



● گالری آرتیبیشن از روز جمعه، ۲۶ آذر، به صورت آنلاین، میزبان نمایشگاه چهارتفره «در خلوت» شده است. در این نمایشگاه آثار چهار هنرمند، ترانه صادقیان، سمیرا دریا، میثم نژادرسولی و ناصر محمدی به مدت ۱۰ روز تا یکشنبه، پنجم دی به نمایش درمی‌آید. چهار هنرمند حاضر در این نمایشگاه، همگی از شاگردان هانیبال الخاص، نقاش و مدرس مشهور هنر هستند. هرکدام از نقاشان حاضر در این نمایشگاه با تگاهی شخصی کوشیده‌اند آثاری را با حال و هوای خلوت نقاشی کنند. هنرمندان حاضر در این نمایشگاه از نسل‌های مختلف انتخاب شده‌اند و آثارشان با موضوع و حال و هوای مشترک در کنار هم قرار گرفته است. گالری آرتیبیشن از چند سال پیش روی نمایش آنلاین آثار هنری کار می‌کند. با بروز همه‌گیری ویروس کرونا تمایل به برگزاری نمایشگاه‌های آنلاین بیشتر شد و این شکل جدید نمایش ظرفیت‌های خود را به نمایش گذاشت. هانیبال الخاص، یکی از تأثیرگذارترین نقاشان و مدرسان هنر به حساب می‌آید که سال‌ها در هنرستان، دانشکده و به صورت خصوصی به تربیت و آموزش هنرمندان مشغول شده بود. او در سال ۱۳۸۹ و ۸۰سالگی درگذشت. نمایشگاه «در خلوت» از روز جمعه، ۲۶ آذر، آغاز و تا روز یکشنبه، پنجم دی، ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند در تمامی طول شبانه‌روز به نشانی وب‌سایت گالری آرتیبیشن به نشانی: www.artibition.net مراجعه کنند.

یادبود کامبیز درم‌بخش درخانه کاریکاتور

«هزار و یک خط»

به یاد کامبیز درم‌بخش



● نمایشگاه هزارویک خط، به مناسبت چهلمین روز درگذشت «کامبیز درم‌بخش» در خانه کاریکاتور ایران برگزار می‌شود. این برنامه شامل یک نمایشگاه، حاوی چهل اثر «پرت‌ره» از زنده‌یاد کامبیز درم‌بخش» است که به همت ۳۰ هنرمند کارتونیست و کاریکاتوریست ایرانی و خارجی شکل گرفته است. همچنین تعدادی از آثار منتخب کامبیز درم‌بخش که خود ایشان انتخاب کرده بود و تابستان سال جاری در نمایشگاهی از هنرمندان پیش‌کسوت کارتونیست، در خانه کاریکاتور ایران ارائه شد، بخش دیگری از این نمایشگاه را تشکیل می‌دهد. این برنامه روز دوشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۰، ساعت ۱۵ در خانه کاریکاتور ایران گشایش می‌یابد و تا ۲۹ دی ادامه خواهد داشت. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید، از طریق صفحه اینستاگرام خانه کاریکاتور ایران به نشانی iranain_cartoon_house@ و همچنین به صورت حضوری، روزهای شنبه تا چهارشنبه ساعت ۹ تا ۱۵ و پنجشنبه ساعت ۹ تا ۱۳ تا این نمایشگاه به نشانی خیابان دکتر شریعتی، تقاطع اتوبان شهید همت، خیابان شهید داود گل‌بنی غربی، بعد از میدان احمدی‌روشن (کتابی)، پلاک ۴۴ خانه کاریکاتور ایران بازدید کنند. اسامی شرکت‌کنندگان در این مراسم به شرح زیر است: بهرام ارجمندنیا، علیرضا ابوسعیدی، هانی انصاری، علی آهنگر، آتجل بولیکان، بهرام بابایی، علیرضا باقری، علیرضا پاکدل، شانکار پامارسی، اکبر ترابپور، شهاب جعفرنژاد، وحید جعفری، هادی حیدری، محمدرضا دوست‌محمدی، علیرضا ذاکری، علی رامند، علی رونقیان، شهرام شیرزادی، سعید شمس، سلمان طاهری، ابوالقاسم طحانیان، مرتضی طلائیان، احمد عربانی، بهمن عبّدی، جواد علیزاده، بهرام عظیمی، آرش فروغی، امین فامیل‌باغستانی، یاشار قهرمانی، فرامرز کنتکار، امین منتظری، سیلوانا ملو، ناصر مقدم، فاطمه نظردخت و پیام وقایار.